

روزنامه شرق

یادداشت

«داعش» تهدیدی برای امنیت انسانی



مهدخت ذاكري
تحليلگر مسائل خاورمیانه

در سه سالی که از اعلام خلافت خودخوانده «داعش» می‌گذرد، اندیشمندان و تحلیلگران بسیاری به بررسی چرایی ظهور این کشگر، تبعات امنیتی سرزمینی، منافع ملی و نیز تهدیدهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن پرداخته‌اند، اما آنچه کمتر به آن پرداخته شده، تهدیدی است که داعش علیه امنیت انسانیت نسبتاً تنها تهدیدهای عراق و سوریه، بلکه بخش‌های بزرگی از منطقه خاورمیانه، ایجاد کرده است. براساس طبقه‌بندی برنامه توسعه و عمران سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴، امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت سلامت، امنیت زیست‌محیطی، امنیت فردی، امنیت سیاسی و امنیت اجتماعی از جمله مصادیق امنیت انسان به‌شمار می‌آید. بنابر این فرض‌بندی، اگر هر یک از این پارامترها تأمین نشده یا به‌طور غیرمطلوبه‌ای، یا به‌مانشی انسانی مواجه خواهیم بود. موارد عینی این مصادیق، رویدادهایی هستند که کم‌وبیش هرروزه در پرانگهی‌های جغرافیایی تحت سلطه «کشگر غیرولتی فراملی» داعش، اتفاق می‌افتد؛ قاچاق انسان، کشتارهای مبادا مخدر، قاچاق مهاجران، بهره‌کشی جنسی از زنان و دختران، شکارهای دسته‌جمعی قومی- مذهبی، نبود دسترسی کافی به منابع آب، غذایی و بهداشتی.

آنچه در این نوشته منظر است، تهدید امنیت شخصی است، براساس تعریف دفتر عمران و توسعه سازمان ملل متحد، مؤلفه‌هایی مانند «تهدید از سوی دولت علیه شهروندان» مصداق آن می‌توان شگنجه و انواع آزارهای روحی و جسمی شهروندان دانست، «تهدید از سوی دولت‌های دیگر» مصداق عینی آن جنگ است، «تهدید از سوی گروه‌های خشونت‌ورز» همچون انواع مناقشات هویتی- مذهبی و قومی و «تهدید علیه زنان و کودکان» که انواع بردگی جنسی، قاچاق انسان، کار اجباری و... در این گروه قرار می‌گیرد. براساس گزارش «یان کوپیش» نماینده سازمان ملل در امین عراق، به شورای امنیت تاکنون بیش از ۵۰ کشور دسته جمعی در این کشور کشف شده که مصداق بارز از تهدید امنیت شهروندان عراقی است. بردگی جنسی زنان و دختران از دیگر مصداق تهدید امنیت انسانی است. از سال ۲۰۱۴ تاکنون، بیش از ۱۰ هزار زن و دختر عراقی با هدف برده‌داری جنسی، فساد، خون‌بها و ازدواج اجباری با نظامیان داعش، روبرو یا قاچاق شده‌اند. زنان قاچاق‌شده عموماً از بغداد به شهرهای شمالی عراق، سوریه، اردن یا امارات متحده فرستاده می‌شوند. یکی از روش‌های رایج قاچاق زنان، ازدواج موقت با آنان است و پس از رسیدن به مقصد و طلاق زن، او مجبور به اجرای هدف قاچاقچی - تن‌فروشی، ازدواج اجباری، کار اجباری و... - می‌شود و مرد قاچاقچی (که تا پیش از این همسر این زن بوده) دوباره برای انجام ازدواج و پروژه بعدی به عراق بازمی‌گردد.

در گزارش اخیر شورای حقوق بشر سازمان ملل، استفاده داعش از تجاوز، شؤنوت جنسی و برده‌داری جنسی جماع ایزدیان، به‌مثابه نسل‌کشی مردم ایزدی بر شمرده شده است. درحال حاضر گمان‌ها بر این است که بیش از سه هزار زن و کودک ایزدی از سوی داعش به اسارت گرفته شده‌اند. داعش قراردادهای و بازار برده‌داری دارد. این زنان و دختران به‌مثابه غنایم جنگی^۱ تلقی می‌شوند، بنابراین به عنوان بخشی از دارایی‌های فوری قابل خریدوفروش، هدیه‌دادن یا حتی به‌ارث‌گذاریست. علاوه‌براین داعش از کودکانی که در مواردی همچون سیر انسانساز^۲، سوءاستفاده جنسی و سیر سربازان استفاده می‌کند؛ مانند اتفاقی که در کوبانی روی داد. داعش تلاش دارد کودکان را رست و شوی مغزی داده و از آنها در اهداف نظامی و جنگی استفاده کند. در این راستا کمپانی آموزشی تحت عنوان «بچه‌های خلیفه» Cubs of Caliphate وجود دارد که در آنجا کودکان تحت آموزش‌های چوپنکی استفاده از سلاح، ساخت بمب، ترور و اقدام، قرار می‌گیرند.

جابه‌جایی و مهاجرت گزارش از دیگر سازمان‌ها به‌مخاطره‌افتادن امنیت و به‌سر است. طبق گزارش نماینده سازمان ملل در امور عراق، تعداد بالای بیش از ۳۰۳ هزار نفر در عراق و نزدیک به چهار میلیون نفر در سوریه مجبور به مهاجرت و جابه‌جایی به کشورهای امن هستند و ترکیه، اردن، لبنان یا اروپا شده‌اند که این جابه‌جایی با قاچاق قاچاق و مهاجرت درهم آمیخته و به‌منایه تأتیکت داعش در درگیری‌های مسلحانه‌اش محسوب می‌شود.

اجزای امنیت اطلاعاتی در همه تهدیدها، به این مفهوم که اگر عراق و سوریه بیش از هشتاد میلیون پانده و آواره دارد، علاوه بر تهدید علیه خود این افراد، مناطق دیگر نیز از این مخاطرات، آسیب‌ها و امان نخواهند بود. یکی از این درهم‌تنیدگی‌ها، قاچاق مواد مخدر است. تجربه قاچاق انسان از سوی کارتل‌های مکزیک‌ای نشان می‌دهد که بسیاری از مهاجران اجباری می‌توانند خود حاملان مواد مخدر به کشورهای مقصد نیز باشند. نکته درخشان‌تره در این خصوص آن است که بسیاری از تحلیلگران از این باورند که بعد از بازسازی نیروی موصول به‌مثابه یکی از منابع عمده درآمدش، یعنی فروش نفت و تسخیر مالیات از ساکنان این منطقه، گروه دولت اسلامی از نظر مالی تضعیف شده و مقابله با آن آسان‌تر خواهد بود، اما نباید از یاد برد که قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان به‌عنوان درآمدهای مهم‌ترین تجارت‌های غیرقانونی، همچنان در کانون توجه این گروه هستند.

نبايد از نظر دور داشت كه ايندش داعش، تهديدات مزي و امنيتي اين گروه و درآمدهاي مالي اين سازمان هيريدي، همگي نكاتي درخو-
توجر در رشمهايي و مقابلر احتمالي با او خواهد بود. اما اصدرا
درحال حاضر جان است، موضوعي است كه هرروزه جان صدها
هزار انسان را تهديد مي.كند. بنابراين، تنها با بازسيري قسمتهاي
از مزيهاي سزيمي خودخوانده داعش، تهديد اين گروه عليه امنيت
انساني تضعيف نشده، بلكه مي.توان پيشيني بيري كرد كه داعش براي
جايگيري درآمد از دست.رفته نتيه خود، صراحتا بر تهديدات امنيت
انساني همچون قاچاق انسان تكيه كرده و صدمه درآمد مي.كند.

نگاہ

جای پای ترامپ

در حال حاضر مارین لوین، کانگدید ریاست جمهوری، جناح راست افراطی فرانسه، موسوم به «جبهه ملی»، پیش از آنکه به دبیرکل این کشور در «تویتر» («فیس‌بوک» دارد و نسبت به دیگر کانگدیدهای ریاست جمهوری در آنساز اقبال بیشتری در رسانه‌های اجتماعی برخوردار است. حزب او، یعنی «جبهه ملی»، سابقه زیادی به لحاظ حضور در فضای مجازی داشته و اولین گروه سیاسی در فرانسه بود که در سال ۱۹۹۶ و باپشتی را تأسیس کرد. اکنون این حزب به دنبال استفاده از فضای مجازی برای غلبه بر رقبای جریان اصلی و دوزدن رسانه‌های سنتی است تا به این وسیله به طور مستقیم با مردم صحبت کند.

کریستین لیبورت، کارشناس ارتباطات سیاسی، می‌گوید: مزیت شبکه‌های اجتماعی این است که به آنجا با مخالفت روبه‌رو نیستید و می‌توانید حرم‌ها را بزنید. بدون شک خبرنگاری مزاحم شما شده و علیه شما حرف زده. خامن‌جه می‌فهمد فرانسه پیش از این نیز در تویتر، فیس‌بوک و دیگر شبکه‌های اجتماعی فعالیت زیادی داشته‌اند و در حال حاضر مارین لوین، رقیب محافظه‌کار لوین در انتخابات جمهوری در هفتمین دوره، می‌دهد. یک شیوه‌ای که آنها این است که فیون را متهم به نداشتن گرایش‌های «اسلام‌گرایانه» کنند. این در حالی است که این تاکتیک تحت عنوان «تاتیک اخبار جعلی» در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیز مشهود بود. در همین راستا، دو هشتک تحت عنوان «مرد واقعی» و «مرد فیون» به راه افتاده است.



همچنین کمپین‌هایی به راه افتاده که در آنها نخست‌وزیر سابق فرانسه را که کتابی به نام «شکست بنیادگرایی اسلامی» نوشته، متهم به داشتن برنامه‌های اسلام‌گرایانه می‌کند، در جریان می‌باشد. با وجود آنکه دست‌داشتن در این کمپین‌ها را رد کرده، او خود لوپن به هنگام پرسش درباره این کمپین‌ها جوابی تحریک‌آمیز می‌دهد و می‌گوید: سؤال واقعی این است که چه ارتباطی بین فرانسوایون و بنیادگرایان اسلامی وجود دارد؟

هفت دیگر استادگرایان افراطی یک رئیس دیگر لوپن - یعنی «مانوئل ماکرون»، کاندیدای مستقل ریاست‌جمهوری و وزیر سابق اقتصاد فرانسه را نیز از حملاتشان مصون نگذاشته‌اند. او و فیون اصلی‌ترین رقیبانی هستند که می‌توانند لوپن را در دورهای اول و دوم انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه رد ماه‌های آوریل و می به چالش بکشند.

ایمن در حالی است که دونالد ترامپ نیز در زمان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری از سوی مطبوعات، سستی هدف انتقادات گسترده قرار داشت. اما این‌بار ترامپ در ۲۴ آفریل ۲۰۱۷ میلادی، نمایان‌کننده رد آن فعالیت‌ها و حمله به مخالفانش استفاده می‌کرد. گابریل خان، یک کارشناس، نیز می‌گوید: ترامپ به این وسیله توانست یک روایت جایگزین ایجاد کند. اسم آن را «واقعیت جایگزین» می‌گذارم. این حال‌نحوه رویکرد جبهه ملی جدید متفاوت بوده و پیام‌های امری در حیطه حساب در رسانه‌های اجتماعی به طور هم‌زمان منتشر می‌کند.

میراث یک رئیس جمهور: جهانی که او باما ساخت

اصلاح طلبی «در سایه»



اوباما می‌خواست یک رئیس‌جمهور فرا حزبی باشد. دولتش قرار بود منادی دوره جدید از شفافیت و رفتار صادقانه باشد. اما درعوض ریاست‌جمهوری اوباما شاهد کرد عصر، عصر کینه‌توزی و اختلافات شدید، بدتر شدن تعصبات نژادی، کاهش اعتماد عمومی به دولت و پدیده‌های دودستی و رواج وعده‌های دروغین و تهمت‌های بی‌پایان در عرصه سیاسی است. آمریکای پس از باراک اوباما، یک آمریکای چندقطبی است، خاورمیانه در آتش درگیری‌ها و جنگ‌های بی‌پایان می‌سوزد، نظم جهانی به‌شدت بی‌ثبات شده، کنگره را اکثریت جمهوری خواهان تصرف کرده‌اند و فردی قرار است رئیس‌جمهور شود که وعده داده همه دستاوردهای هشت سال گذشته دولت قبلی را به یک‌جای می‌برد و خود کرد. استراتژی «قلم و تلفن» که اوباما روزگاری در ۲۰۱۴ از آن صحبت کرده، رد ریاست‌فرا حزبی با کنگره نتیجه ارزیابی غلط او از پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات سانش شده. اوباما به جای جلب حمایت اعضای کنگره برای طرح‌های مهم، این فرض را مسلم ندانست که قرار است دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره اکثریت گریسی را به دست آورند.

درواقع، رویکرد کلی اوپاما در اداره کشور بر این فرض استوار بود که تمام مسائل اساسی دنیای سیاست حل‌وفصل شده است؛ از خدمات درمانی گرفته تا تغییرات جوی و قوانین نظارتی مالی. در اینجا بر سرش اصلی این نبود که آیا دولت فدرال باید اقدامی مثل یاخیر، بلکه مسئله بیشتر پرداختن به جزئیات بود. همان‌طور که اوپاما در نطق پایانی خود گفت: «می‌توانیم درباره هر چیزی صحبت می‌توانستیم بهتر به این اهداف برسیم بحث کنیم، اما نمی‌توانیم درباره خود اهداف راضی نباشیم». اوپاما علاقمندی به بحث‌های افغانی نداشته و هنوز هم ندارد. از نظر او اگر نظر مخالف دارید، در بخش نادرست تاریخ استفاده‌اید. از این منظر، اوپاما سهم بسیار زیادی در شکل‌دادن به این رویکرد حزب دموکرات و ستاد انتخاباتی هیلاری کلینتون در انتخابات ریاست‌جمهوری داشت که «ما در طرف درست تاریخ ایستاده‌ایم». با این طرز فکر، طرفداران رقابت‌انگیز ترامپ به حساب نمی‌آیند، زیرا هیچ‌کدام مستحق زحمات اوپاما به آنها را به دولت داد و اصلاً چاره‌ای برای رسیدن به تفاهم با آنان تلاش کرد؟ این‌گونه بود که پیروزی دونالد ترامپ به یک شوک عظیم تبدیل شد. اوپاما حتی در نطق پایانی خود هم توانست برای ترامپ آرزوی موفقیت کند؛ کاری که جیمی کارتر (رئیس‌جمهور سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱)، برای جانشین خود انجام داد. کارتر متعهد شد از رونالد ریگان حمایت کند و برای او آرزوی موفقیت کرد. اما اوپاما نتوانست این کار را انجام دهد، چراکه موفقیت دونالد ترامپ به معنی تسمان آن چیزهایی خواهد بود که اوپاما تلاش کرده در این هشت سال بسازد.

جنگ؛ آخرین میراث

هر چقدر میراث اوپاما در داخل مرزهای ایالات متحده ناپایدار است، میراث او در سیاست خارجی پایدار خواهد بود. اوپاما در سال ۲۰۰۸ وعده داد جایگاه اخلاقی آمریکا را در جهان احیا کند. منظور او از این احیاء کردن، عقب‌نشینی آمریکا از صحنه بین‌المللی و تمرکز بر ملت‌سازی، اینجا در خاک ایالات متحده بود.

این وعده اوباما در عمل به معنی ترک خاورمیانه نبود؛ اینکه به داعش اجازه داده شود روی خاکستر عراق قد بکشد. این داستان در دیگر مناطق جهان نیز تکرار شده است. آمریکا در برابر تمام دشمنان خود در صحنه بین الملل عقب‌نشینی کرده است. مانوهارا روسیه در برابر چشمان و استکتن تا جایی پیش رفت که کارزاری فعال را برای ارتقای گردآوری و حتی تغییر نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا راه اندازی کردند. تجاوز روسیه به اوکراین و جنگ در این کشور تاکنون بیش از ۱۰ هزار کشته داشته است. به لطف خودداری اوباما از مداخله در بحران سوریه، نزدیک به نیم میلیون نفر در این جنگ کشته شده‌اند. زمانی که اوباما در سال ۲۰۱۱ نیروهای آمریکایی را از عراق خارج کرد، ثابت کرد در مقابله با داعش ناتوان بوده است. تحرکات فرانسه در عراق جنوبی و احداث پایگاه‌های نظامی در این منطقه، آمریکا را مجبور کرد در سیاست‌های خود در آسیا و اقیانوسیه تجدیدنظر کند. از همه اینها که بگذریم در آستانه خروج باراک اوباما از کاخ سفید، جهان از زمان جنگ سرد تاکنون بی‌ثبات‌تر از همیشه است. اما این شرایط اجتناب‌ناپذیر نبود، این شرایط نتیجه انتخاب‌های بیش از اندازه محتاطانه اوباما و حلقه نزدیکان او بود. اگر بخوایم جایگاه باراک اوباما را در تاریخ ایالات متحده ارزیابی کنیم، موقعیت امروز او یادآور شرایط جیمز بوکتن (رئیس‌جمهور ایالات متحده ۱۸۵۷ تا ۱۸۶۱) است که به زانوئی توان را به بدترین رئیس‌جمهور آمریکا خواند. بوکتن در هشتاد و نهومی سالگی به عنوان «مهدیه‌های صلح و موجودیت اتحادیه» سخنرانی گرای کرد، اما برای حفظ صلح و اتحاد ایالات متحده هیچ کاری نکرد. رویکرد بوکتن نسبت به امنیت ملی آمریکا در شرایطی که با چالش‌های اساسی در این زمینه دست‌و‌پنجه نرم می‌کرد، تقریباً مشابه رویکرد اوباما در حوزه سیاست خارجی بود. بوکتن در شرایطی که کشور به‌سرعت به اموزی تجزیه پیش می‌رفت تصمیم گرفت هیچ کاری انجام ندهد و امیدوار بود راه‌حلی صلح‌آمیز برای اختلافات میان شمالی‌ها و جنوبی‌ها پیدا شود. بوکتن حتی از اعزام نیروهای گمکی به فورث‌سامتر خودداری کرد مبادا به‌ناحق از قدرت نظامی استفاده کرده باشد و نتیجه چنین تصمیمی چیزی جز بدتر شدن شرایط و روشن‌شدن آتش جنگ نبود. اول کارولینای جنوبی دستخوش ناآرامی شد و روز بعد می‌سی‌سی‌پی اعلام جدایی کرد و روز بعد از آن فلوریدا. در کمتر از یک ماه ایالت‌های آلاباما، جورجیا و لوئیزیانا و بعد هم تگزاس اعلام جدایی کردند. سپس نیروهای جنوب ۱۲ آوریل به فورث‌سامتر حمله کردند و جنگ میان شمالی‌ها و جنوبی‌ها آغاز شد.

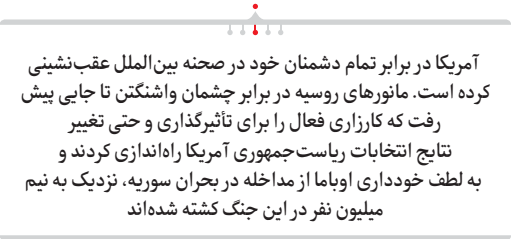
می‌دانند مقررات سخت‌گیرانه دولت اوپاما برای نظارت زیست‌محیطی بر کارخانه‌ها تا چه اندازه برای او دشمن تراشی کرده است. همه می‌دانند وب‌سایت اوپاما که قاجاعه بود، اما عده کمی می‌دانستند دولت اوپاما برخی از کارشناسان سلیکون‌والی را به کار گرفت تا سرویس خدمات اینترنتی دولت را احیا کرده و به سطح قرن بیست‌ویکم برسانند.

مدت‌زمان زیادی برای مطالعه تغییرات سیاسی دولت اوپاما در بعد جهانی صرف شده است. می‌توانی درباره اقدامات دولت اوپاما نوشتن و همچنین به نیت بیشتر، وزیر خزانهداری سابق، کمد کردام خاطرات خود را بنویسد. باین حال اگرچه عنوان کتابم «داسان پنهان تغییرات در عصر اوپاما» بود اما پس از گذشتن از مطالعه کتابم مقاله، صحابه و گزارش از مشاوران فعلی و گذشته اوپاما بود که به عمق تغییرات صورت‌گرفته در عصر او پی‌بردم. می‌بیل کلینتون، رئیس‌جمهوری سابق را به خاطر می‌آورم که با سازمان غذا و دارو برای نظارت بر خرید و فروش تنباکو در ایالات متحده مبارزه می‌کرد. همچنین در گذر زمان بود که مستحی شدم دولت اوپاما را استانداردهای سخت‌گیرانه‌ها در دارو و برای برابری مصرفه است. دولت اوپاما همچنین در پی مورد با تعیین قوانین خرید جدید، مکرر انرژی در دستگاه‌های تهیهی مطبوع را تا یک درصد کاهش خواهد داد. با نگاهی به هشت سال ریاست‌جمهوری اوپاما اگرچه واشنگتن همچنان حزبی و دو شقه باقی مانده است و اغلب سیاست‌مداران در جناح راست با چاپ قرار دارند، اما روایت تاریخی غالب این است که اوپاما بیشتر در حوزه اجتماعی واقعی تفدایی می‌کنیم. این شکاف میان درک ما از عصر اوپاما و واقعیت‌های موجود باید بر می‌گردد.

بازنده تمام عیار در سیاست

اوباما شاید درباره سیاست‌های داخلی‌اش طرفداران سختی مانند مایکل گرکانولد، تحلیلگر نشریه پولیتیکو، داشته باشد، اما وقتی صحبت از سیاست خارجی است وزن مخالفان اوباما به طرز آشکاری سنگین‌تر می‌شود. جان دنیل دیویدسون، تحلیلگر نشریه وال استریت ژورنال، می‌نویسد:

باراک اوباما در آخرین سخنرانی خود از دستاوردهای هشت سال ریاست جمهوری‌اش دفاع کرد. اما واقعیت این است که ننگر از همین حالا او را برای به عقب‌برگرداندن دستاوردهای داخلی‌اش خیز برداشته و میراث او در سیاست خارجی نیز «جنگ، جنگ و جنگ» خواهد بود. قرار نبود اوباما دفتر ریاست جمهوری را این‌طور ترک کند. اوباما از زمان پیروزی باورنکردنی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری همه تلاش خود را به کار گرفته تا میراثش را نجات دهد. اما چه می‌تواند برای رئیس‌جمهور دمکرات و پیشرو ایالات متحده کویتار از این مردم این کشور باشد؟ باراک اوباما ناکام می‌راند. او نداشت. حتی یک‌بار در جریان رقابت‌های انتخاباتی اعلان کرده بود اگر هیلاری کلینتون نامزد هم‌حزبی او در انتخابات ریاست جمهوری پیروز نشود، این مسئله را توهینی به شخص خود و میراثش خواهد دانست. به همین دلیل است که در روزهای پایانی ریاست جمهوری‌اش به صرافت افتاده تا انبوهی از قوانین و مقررات را جراحی کرده و مهم‌تر اینکه به مردم ایالات متحده ثابت کند ریاست جمهوری‌اش اثراتی بوده است. اوباما در آخرین نطق خود بار دیگر به کارنامه‌اش اشاره کرد: اقتصاد نجات‌یافته، اوباماکار، بسته مقابله با تغییرات جوی، توافق هسته‌ای ایران، افزایش دستمزدها و ...



در ذهن اوایما دوران زمامداری اش به طرز یاباورنکردنی موفق بوده است. او در ظرف وقت خفته است؛ «اگر شصت سال پیش به شما می‌گفتم آمریکا رکورد بزرگ اقتصادی را کنار خواهد زد، صنعت خودرو را احیا و بیشتربین شغل را در این کشور ایجاد خواهد کرد؛ اگر به شما می‌گفتم فصل جدیدی از روابط با مردم کوپا آغاز خواهد شد، چالش هسته‌ای ایران بدولت شلیک حتی یک گلوله به پاپان خواهد رسید، مغز متفکر حملات ۱۱ سپتامبر گرفتار خواهد شد؛ اگر می‌گفتم، ۲۰ میلیون شهروند آمریکایی فاقد بیمه سلامت تحت پوشش درمان قرار خواهند گرفت، شاید می‌گفتید یزادی بلندپرواز هستم، اما این کارهایی است که انجام داده‌ام.» او نظر آوا می‌کرد.

ریاست جمهوری اش را از آغاز کرد.

اما این چیزی نیست که بیشتر مردم احساس می‌کنند. رای‌دهندگان آمریکایی با وجود عدم قطعیتی که در زمامداری فردی مانند دونالد ترامپ می‌دیدند، پیشتیمه سیاسی ندارند، بلکه فردی است که تردیدهای زیادی درباره نوع وضوآت و خلق‌وخوی ناپایداری وجود دارد.

سبک حکومت داری اوباما

شرایط وقتی بنتری می‌شود که به حجم انتظارات از دولت باریک‌انجاما در سال ۲۰۹۰ نگاهی بنیدیم. در این مورد، رویشدن با تدریس کردن اقتصادی از دهه ۱۹۶۰-۲۰۹۰ مشتتاقانه در انتظار رویشدن با کاخ سفید بودند. اوباما هم خوش‌بین بود. او در سخنرانی مراسم تخلیض با بدای بلند از غلبه امید بر ترس» و «اتحاد» و همه به جراح‌های کوچک و بر سر دهن مشترک، سخنان گفت. اوباما فرمود: به همه دلموری‌های کی‌سکی و وعده‌های دروغین، امتحان مقابل و تعصبات فرسوده‌ده که مدت‌هاست دنیای سیاست ایالات متحده را رنگ کرده، پایان خواهد داد.

بهاره محبی: زمامداری باراک اوباما در قامت نخستین رئیس جمهور رنگین پوست ایالات متحده به پایان رسید. اوباما با وعده «تغییر و امید» بسیاری را (حداقل) در ایالات متحده به آینده‌ای روشن امیدوار کرده بود. اما امروز - گذشت از استدلال منتقدان و حامیان - یک چیز مشخص است: جهان عمیقاً ناامید از زمانی به نظر می‌رسد که اوباما برای نخستین بار به سمت میز کار خود در دفتر ریاضی نشست. همه تلاش اوباما در ماه‌ها و هفته‌های پایانی راست‌گمراهی‌اش دفاع و تأکید بر میراثی است که هیچ تضمینی برای بقای آن نیست. شاید آن‌طور که را بارت سامولسون در واشنگتن‌پست نوشته: هنوز برای قضاوت درباره تأثیر و جایگاه باراک اوباما در تاریخ ایالات متحده و تحولات بین‌المللی زود باشد، اما همین حالا هم می‌توان نتایج برخی از سیاست‌های او را در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (و سیاست خارجی) مشاهده کرد. در اینجا دو نظر متفاوت را درباره میراث چهل و چهارمین رئیس جمهور ایالات متحده می‌خوانیم.

اصلاحات با چراغ خاموش

نشریه پولیتیکو به قلم مایکل گرانوالد درباره تأثیرات هشت سال ریاست جمهوری اوباما بر ایالات متحده می نویسد: بیست و سوم مارس ۲۰۱۰ بود که باراک اوباما لایحه «حفاظت از بیمار و مراقبت مقرون به صرفه» موسوم به «اوباماکار» را امضا کرد. از آنجا که اوباما یک میلیون ها شهروند آمریکایی را که از خدمات بیمه پزشکی بهره مند نبودند تحت پوشش قرار می داد، کام بزرگی به سوی تحقق رؤیای دموکراتیک «برای هر همه» بود.

درست است که اوامام توانست وعده‌های خود برای ایجاد تغییرات سیاسی و فرا حزبی را در محقق کند و واشنگتن بیش از همیشه حزبی و جناحی است، اما همه چیز در دستور کار اوامام خلاصه نمی‌شود. او وعده‌های دیگری هم داده بود. اوامام وعده داده بود در امور دولتی و نهادهای آموزشی، سیاست‌های مربوط به تغییرات جوی و سیستم مالی به‌طور بنیادین اصلاحاتی ایجاد کند و این کار را انجام داد. وقتی تمام قوانینی که در دو سال نخست ریاست جمهوری‌اش که به دموکرات‌ها اکثریت کنگره را در دست داشتند به مواردی که گفته شد اضافه کرد و همه چیز را در نظر گرفته هم اقدامات اجرایی و روشمند پنج سال گذشته (زمانی که جمهوری خواهان تمام مسیرهای قانونی را برای تحقق اهداف خود لمسدود کردند)، درمی‌یابد دولت اوامام یک نظام فکری عمیق و بی‌امان را در پیش گرفته بود. مخالفان اوامام در زمان کاندیداتوری‌اش در انتخابات ریاست جمهوری او را «حرف مفت‌زن و استاد علوم سیاسی خوش‌زبان و بی‌تجربه» می‌خواندند. اما اوامام اوست از زمانی که وارد دفتر کار خود در کاخ سفید شد با هجوم جمهوری اقتصادی روبرو شد؛ بحرانی که او را واداشت تا بیش از پیش به عنوان یک رهبر سیاسی عملگرآباد نشان داد. با شروع وادامه‌ی‌اش، خود را به عنوان یک رهبر سیاسی عملگرآباد نشان داد. اما اوامام در یک مورد کاملاً ناموفق بوده است: نمایش آنچه انجام داده و به نفعش رسیده است. آنچه اوامام انجام داد روش تولید و مصرف انرژی در ایالات متحده، برخورد پرشکاف و پیمارساز با شهروندان، استانداردهای آلودگی‌های کم، و مدارس و مسیر بلندنمدت می‌آموزان را تغییر داده است. شرکت‌های بیمه اکنون به دلیل وجود پیش‌شرط‌های قانونی، دیگر نمی‌توانند از پوشش بیمه درمانی شهروندان سر باز زنند. شرکت‌های صادرکننده کارت‌های اعتباری دیگری نمی‌توانند مبالغ پنهانی را بر شهروندان تحمیل کنند و بازاریا دیگر بر این باور نیستند بزرگ‌ترین بانک‌ها برای ورشکستگی بیش از اندازه بزرگ هستند. در دوران ریاست جمهوری اوامام تأسیسات انرژی خورشیدی بیش از ۲۰۰ درصد رشد داشته‌اند و کاملاً بی‌خانمانی‌ها با وجود رشد اقتصادی، کاهش یافته است. حتی جمهوری خواهانی مانند تد کروزر و مارکو رابو که امیدوار بودند بتوانند جانمایی اوامام در کاخ سفید شوند و دستاوردهای او را به عقب بازگردانند، ادعان کرده‌اند بسیاری از وعده‌ها و اولویتهای اوامام در بخش‌های اجتماعی و اقتصادی محقق شده‌اند. رون کلیمن استول دفتر جو بایدن، معاون اوامام، در این باره می‌گوید: «تغییراتی که اوامام ایجاد کرده است واقعی هستند. اما خیلی خراب نیستند اگر مردم از این دستاوردها بیشتر اطلاع داشتند».

در فضای رساندای پرنج‌خال چند ماه گذشته ابالاتجده که تحت‌تأثیر انتخابات عجیب‌و‌غریب ریاست‌جمهوری بود، هیچ نشانی از تجزیه و تحلیل‌های دقیق دیده نمی‌شود. برای مثال، در کوران رقابت‌های انتخاباتی بیشتر از اینکه به طرح دیوانه‌وار ترامپ برای ساخت دیوار در مرز مکزیک یا وعده‌های بونی سنדרز، مبنی بر تحصیلات دانشگاهی رایگان برای همه، پرداخته شود، به کمر بستن به برنت تگنوکرات «تغییر» اواما پرداخته شد. این‌روزها هم شما فقط یک چیز می‌شنوید و آن اینکه «وعده‌های اواما در آغاز ریاست‌جمهوری‌اش محقق نشده است». آنچه مشخص است، این است اواما در دولت خود کاری را انجام نداده که شوق و شور طلیعه‌آینده‌ای جدید را در مردم و حزب دموکرات ایجاد کند. اواما هر چه در دور دوم ریاست‌جمهوری خود نیز برآحتی در انتخاب پیروز شدن، اما محافظه‌کاران جمهوری‌خواه اکثریت مجلس سنا و مجلس نمایندگان کنگره را در دست گرفته و موجی عظیم از دشمنی را آغاز کردند. اکنون هم با رسیدن دونالد ترامپ به جانشینی اواما، بسیاری از میراث‌های سیاسی متقابل به چپ و راست در معرض خطر جدی هستند. کنگره در دوران ریاست‌جمهوری اواما بارها با او برای تصویب قانون منع حمل اسلحه و اصلاح قانون مهاجرت مخالفت کرده و در هرقبال او را مجبور کرده کاشش شدید هزینه‌ها را بپذیرد که اواما با پذیرش آن خودداری کرده است.

اما توجه به این مسئله جالب است که او با چگونگی توانسته به آنچه می‌خواسته برسد، منظور سیاست‌هایی است که دموکرات‌ها (و گاهی جمهوری خواهان میانه‌رو) سال‌ها به دنبال تحقق آن بودند و اینکه چگونه این سیاست‌ها از نظر افکار عمومی دور مانده‌اند.

تقریباً همه می‌دانند بازار اوباما در دوران ریاست‌جمهوری خود با یک بسته محرک اقتصادی بزرگ خودروسازان ایالات متحده را نجات داد، گسترده‌ترین بازبینی قوانین مالی از زمان فساد بزرگ را امضا کرد، احداث خط تولید جنگلی کیسکوته را متوقف و با هدف مقابله با تغییرات جوی، قوانینی نظریه را تدوین کرد که در تاریخ ایالات متحده کم‌سابقه بوده است. اما درصد از آمریکایی‌ها